



اعتراضات مشروع در چهارچوب مبانی فقهی؛ با تاکید بر دیدگاه‌های

مقام معظم رهبری

حجت عزیزالهی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

چکیده:

اعتراض به عنوان یکی از مهم‌ترین کنش‌های سیاسی و اجتماعی، همواره جایگاهی ویژه در نسبت میان مردم و حاکمیت داشته است. با این حال، مرز میان «اعتراض مشروع» و «اغتشاش نامشروع» از مسائلی چالش‌برانگیز در اندیشه سیاسی و فقهی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع فقه امامیه و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، در پی تبیین مبانی فقهی و چارچوب‌های حاکم بر مشروعیت اعتراض در نظام اسلامی است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که ضوابط تحقق «اعتراض مشروع» در بیانات مقام معظم رهبری کدام است و این ضوابط بر پایه چه ادله و مبانی‌ای از فقه امامیه قابل استنباط می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعتراض در نگاه معظم‌له، در صورتی مشروع است که در چارچوب قانون، عقلانیت، اخلاق و با مرزبندی آشکار نسبت به دشمنان اسلام تحقق یابد. بر این اساس، اعتراض نه تنها منافاتی با اعتماد و همراهی مردم با مسئولان ندارد، بلکه می‌تواند مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر و ابزاری برای اصلاح و تکامل جامعه اسلامی باشد. در مقابل، هرگونه حرکت معارضانه که امنیت عمومی را خدشه‌دار کند یا زمینه سوءاستفاده دشمنان را فراهم آورد، در زمره اغتشاش و فتنه قرار گرفته و فاقد مشروعیت فقهی خواهد بود. این مقاله با بررسی مبانی فقهی اعتراض در حکومت عدل و جور و تحلیل جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی، به این نتیجه می‌رسد که در اندیشه مقام معظم رهبری، اعتراض مشروع فرصتی برای نظارت عمومی، پیشگیری از انحرافات و تقویت انسجام اجتماعی است و می‌تواند در چارچوب شریعت، به پایداری و اقتدار نظام اسلامی یاری رساند.

واژگان اصلی: اعتراض مشروع، اغتشاش، فقه سیاسی شیعه، مقام معظم رهبری، امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

امروزه اعتراض در جوامع اسلامی، به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، موضوعی پیچیده و مورد توجه فقه و علوم سیاسی است. در جهان معاصر، اعتراض ابزاری مهم برای تنظیم رابطه مردم و حاکمیت است، اما پرسش‌هایی بنیادین درباره مرزهای مشروعیت، تفاوت آن با اغتشاش و شرایط فقهی و حقوقی آن مطرح است. فقه اسلامی، اعتراض را نه صرفاً واکنشی هیجانی، بلکه کنشی مبتنی بر قواعدی همچون امر به معروف و نهی از منکر، حفظ نظم عمومی، تبری از دشمنان و رعایت مصالح جامعه تحلیل می‌کند. تفاوت بنیادین میان اعتراض و اغتشاش در غایت و نیت آن‌هاست: اعتراض اصلاح‌گرایانه و مسالمت‌آمیز است، در حالی که اغتشاش معاندانه و براندازانه است.

با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، مشروعیت اعتراض ابعاد تازه‌ای یافته است. اصول انقلاب اسلامی بر مشارکت و آزادی بیان تأکید دارد، اما ضرورت حفظ امنیت و اقتدار نظام، چارچوب‌هایی برای آن تعیین می‌کند. مقام معظم رهبری در بیانات خویش، اعتراض مشروع را با رعایت عقلانیت، قانون، اخلاق و مرزبندی با دشمنان اسلام قابل پذیرش و حتی تکلیفی شرعی می‌داند.

اعتراض مشروع، علاوه بر اصلاح امور و جلب توجه مسئولان به کاستی‌ها، باید از سوءاستفاده دشمنان جلوگیری کند و وحدت و انسجام جامعه را حفظ نماید. بر اساس این رویکرد، اعتراض مشروع نه تهدیدی برای نظام اسلامی، بلکه فرصتی برای اصلاح، تقویت نظارت عمومی و ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه است.

روش‌شناسی پژوهش حاضر، تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری و تطبیق آن با ادله فقهی است تا چارچوب فقهی اعتراض مشروع را در نظام جمهوری اسلامی ترسیم کند. ساختار مقاله به ترتیب شامل: مفهوم‌شناسی

اعتراض، تفاوت آن با اغتشاش، حکم شرعی اعتراض در حکومت عدل و جور، و تحلیل دیدگاه‌های رهبری در نظام جمهوری اسلامی است.

۱. ماهیت شناسی اعتراض

۱.۱. مفهوم شناسی

واژه‌ی «اعتراض» در لغت معانی گوناگونی چون انتقاد، ایراد گرفتن، بازخواست، تعرض، خرده‌گیری، مؤاخذه، نکته‌سنجی و حتی واخواهی را دربر می‌گیرد (معین، ۱۳۸۱: ۱۹۸). افزون بر این، این اصطلاح در برخی منابع به مفهوم احتجاج، ردّ و دفع نیز تفسیر شده است. اصطلاح «معارضه» که از همان ریشه گرفته شده، به معنای مخالفت و نپذیرفتن قول، فعل یا حکمی خاص و موارد مشابه آن به کار رفته است (فتح‌الله، ۱۴۱۵ق: ۶۰).

از آنجا که واژه‌ی «اعتراض» ریشه‌ای عربی دارد، ضروری است مفهوم آن در زبان عربی نیز مورد بررسی قرار گیرد. این واژه به صورت مصدر باب «افتعال» آمده و اصل آن به ریشه «عرض» بازمی‌گردد. «عرض» در لغت به معنای آشکار کردن و در معرض دید قرار دادن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۷۰). البته بر اساس برخی شواهد قرآنی، این ریشه علاوه بر معنای آشکارسازی، دلالت بر بخشش و اعطا نیز دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۲). برای نمونه، در تعبیری همچون «عرضهم علی البیع» به معنای اقدام به فروش، «عرضهم علی السیف» در مفهوم روی آوردن به کشتن، و «عرضهم علی النار» به معنای سوق دادن به سوی آتش‌سوزی به کار رفته است (زمخشری، ۱۳۹۹، ص ۴۱۴؛ ابن منظور، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۰؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۸۱).

در حقیقت، اصطلاح «اعتراض» برخلاف واژه‌ی «اعتزال»، ماهیتی ایجابی دارد. این واژه در کاربرد اصطلاحی به کنش جمعی تمامی جامعه یا بخشی از آن در برابر ساختار رسمی قدرت - اعم از دولت یا حاکمیت - اطلاق می‌شود که هدف اصلی آن مخالفت و انتقاد است. هرگاه این مخالفت در عرصه سیاست بروز یابد، از آن با عنوان

«اعتراض سیاسی» یاد می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۹). نکته قابل توجه آن است که دامنه‌ی معنایی اعتراض گسترده‌تر از مفهوم «عصیان» است.

شایان توجه است که اعتراض نسبت به نظام سیاسی حاکم می‌تواند اشکال متنوعی به خود بگیرد. در برخی موارد، این اعتراض در قالب «نافرمانی مدنی» نمود پیدا می‌کند؛ نافرمانی مدنی به‌عنوان کنشی آشکار، مسالمت‌آمیز و برخاسته از وجدان فردی و جمعی تعریف شده است (رالوز، ۱۳۹۳، ۴۰۱) در مواردی دیگر نیز اعتراض می‌تواند به صورت نقدهای سازنده و اصلاح‌گرانه تجلی یابد.

۱.۲. تفاوت اعتراض و اغتشاش

اعتراضات سیاسی از نظر ماهوی با پدیده‌هایی همچون اغتشاش، براندازی و تلاش برای تغییر بنیادین نظام حاکم تفاوت اساسی دارند. به همین دلیل، در برخی متون حقوق بین‌الملل از این قبیل کنش‌ها با عنوان «اعتراض مدنی» یاد شده است. مقصود از اعتراض مدنی، اعتراض‌هایی است که بر پایه‌ی اصول مدنیت استوار بوده و در چارچوب رفتارهای مسالمت‌آمیز صورت می‌پذیرند. چنین اعتراضاتی می‌توانند به‌صورت خودجوش و فوری یا در قالب حرکت‌های سازمان‌یافته و تشکیلاتی در واکنش به رخدادها و مسائل مختلفی همچون سخنرانی‌ها، تحولات سیاسی و اقتصادی و موضوعات مشابه شکل گیرند. همین امر ممکن است برای مقامات حکومتی شرایط و موقعیت‌هایی غیرقابل پیش‌بینی پدید آورد (سازمان امنیت و همکاری اروپا، ۱۳۹۵: ۴۰).

میتوان گفت اعتراض و اغتشاش از جهات زیر با هم متفاوت هستند:

الف) غایت اصلی

در پدیده‌ی «اعتراض»، غایت اصلی اصلاح در ساختارها یا شیوه‌های رفتاری نظام سیاسی است، در حالی که «اغتشاش» با هدف براندازی و ایجاد تغییرات انقلابی در کل نظام سیاسی جامعه دنبال می‌شود. بنا بر بیانات مقام معظم رهبری، دشمنان در پیگیری اغتشاشات، در واقع به‌دنبال گسترش بی‌اعتمادی و نهایتاً تغییر نظام به

حکومتی دیکتاتوری بوده‌اند (خامنه ای، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵). همچنین، از منظر ایشان، یکی دیگر از مقاصد اصلی دشمنان در سامان‌دهی اغتشاشات، تضعیف بنیادهای نظام اسلامی است (خامنه ای، ۱۴۰۲/۱/۱). ایشان در جای دیگری تصریح می‌کنند: «این کسانی که وارد اغتشاشات شدند و آن را به راه انداختند، قصدشان رفع ضعف‌های کشور نبود؛ بلکه هدف آنان از میان بردن نقاط قوت کشور بود» (خامنه ای، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹). افزون بر این، در برخی بیانات رهبری، آشوب‌ها به‌عنوان ابزاری برای کشاندن کشور به جنگ داخلی معرفی شده‌اند (غفاری، ۱۳۹۸، ۴۴۹).

(ب) ابزار

روش‌های ابراز اعتراض معمولاً در قالب‌هایی چون سخنرانی، تشکیل جلسات، برگزاری راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز، تحصن و امثال آن جلوه‌گر می‌شوند. در مقابل، اغتشاشگران از طریق برهم زدن نظم عمومی، ایجاد ناامنی و تشنج در فضای جامعه در پی تحقق اهداف خود هستند. بر همین اساس، مقام معظم رهبری، اغتشاش را حرکتی خصمانه و خشونت‌آمیز با هدف برهم‌زدن امنیت کشور معرفی کرده‌اند و تأکید داشته‌اند که دستگاه‌های امنیتی وظیفه دارند در برابر آن ایستادگی و از وقوع آن جلوگیری کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۳۳۸).

با توجه به آنچه پیش‌تر بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که اعتراضات سیاسی به‌طور موضوعی خارج از شمول حکم محاربه است که در آیه ۳۳ سوره مائده مورد اشاره قرار گرفته و همچنین در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. بر اساس نظر مفسران و فقها، یکی از ارکان قطعی محاربه، «تشهیر السیف» یا کشیدن سلاح است (شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۶۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۳). در مقابل، اعتراضات سیاسی یا مدنی، همان‌گونه که پیش‌تر بررسی شد، معمولاً از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز تحقق می‌یابند و با ارکان محاربه تطابق ندارند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز تفاوت میان اعتراض و اغتشاش کاملاً روشن است. ایشان بیان می‌کنند: «مطالبه کردن با دشمنی کردن تفاوت دارد. وقتی گفته‌ایم گاهی اوقات معارضه با مسئولان کشور نباید انجام شود - که اکنون نیز همین نکته را تأکید می‌کنیم - این به معنای انتقاد نکردن یا مطالبه نکردن نیست. درباره رهبری نیز همین‌گونه است. این برادر عزیزمان می‌گوید «ضد ولایت فقیه» را معرفی کنید. خوب، «ضد» روشن است؛ معنایش دشمنی و مقابله است، نه معتقد نبودن» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۷/۱۷).

در جای دیگر، در تبیین تفاوت میان اعتراض و مقابله، ایشان فرموده‌اند: «وظیفه عمومی مردم در قبال مسئولان، اعتماد، همراهی، پشتیبانی و کمک است. اگر کسی نظری برای کمک دارد، نظر دهد؛ اگر کسی گاهی اعتراضی دارد، ایرادی ندارد، اما اعتراض نباید به مقابله تبدیل شود؛ باید همراهی باشد، همانند دو هم‌سنگر که در یک سنگر نشسته‌اند و ممکن است یکی به دیگری اعتراض کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۲، ۱۹۴).

از نظر مقام معظم رهبری، وظیفه مردم در مواجهه با اغتشاشات، حضور فعال در صحنه، افزایش آگاهی و بصیرت و مقابله با اغتشاشگران است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۵/۲۲). زیرا تمامی پیشرفت‌های یک جامعه در سایه امنیت تحقق می‌یابد و اغتشاش موجب ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود، از این رو، تمامی آحاد جامعه موظف به ابراز انزجار و نفرت نسبت به اغتشاشگران هستند. بر همین اساس، ایشان بر هم زدن امنیت را بزرگ‌ترین گناهی معرفی کرده‌اند که ممکن است کسی مرتکب شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۳۰).

وظیفه دیگر مردم در برابر اغتشاشات، موقعیت‌شناسی است. به همین دلیل، مقام معظم رهبری از آگاهی و تدبیر بازاریان تهران در صدور اعلامیه و اعلام براءت از کسانی که به نام بازاریان موجب اغتشاش در خیابان شدند، تقدیر کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۱، ۲۰۱).

در این میان، افرادی که در جامعه تأثیرگذاری ویژه‌ای دارند و اصطلاحاً به آن‌ها «خواص» گفته می‌شود، نقش بی‌بدیلی در هدایت افکار عمومی ایفا می‌کنند. از این رو، مسئولیت مقابله آن‌ها با اغتشاشات سنگین‌تر است و

مقام معظم رهبری در برخی موارد از کم‌کاری این گروه گلایه کرده‌اند. برای نمونه، در خطبه‌ای از نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۶ (پس از فتنه تابستان ۱۳۷۸)، ایشان بیان می‌کنند: «اکنون هیچ گله و شکایتی از مردم وجود ندارد؛ شکایت متوجه کسانی است که باید افکار مردم را هدایت کنند، اما گاه به وظایف خود عمل نمی‌کنند یا از آن آگاه نیستند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۱)، ۳۱۶.

۲. حکم شرعی اعتراض

بر اساس برخی روایات، حکومت‌ها با توجه به شخصیت حاکم به دو نوع حکومت عدل و حکومت جور تقسیم می‌شوند (کافی، ۴۱۱/۷). حکومت عدل به معنای حکومتی است که منشأ آن وحی باشد و شامل سلسله مراتب از حکومت امام معصوم (ع) تا حکومت فقیه جامع‌الشروط (نواب عام امام) می‌گردد. در مقابل، حکومت جور حکومتی است که فاقد چنین سلسله مراتبی است. برای تحلیل مبانی فقهی و حقوقی حکم شرعی اعتراض سیاسی، بررسی جداگانه هر یک از این نوع حکومت‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۲.۱. اعتراض به حکومت عدل

اولین حکومت اسلامی که توسط نبی مکرم اسلام (ص) تأسیس شد، حکومتی وحیانی بود که طبق آیه «و ما یُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (نجم، ۵۳:۳) از هرگونه نقد و اعتراض مصون بود و مخالفت با تصمیمات آن کفر و دشمنی با خداوند به شمار می‌رفت. هرچند بر اساس آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، پیامبر (ص) در برخی موارد اجازه می‌داد تا مسلمانان با ارائه نظرات خود، امور را بهتر مدیریت کنند، اما طبق آیه ۳۶ سوره احزاب، حق اعتراض سیاسی به تصمیمات ایشان به معنای پیشین وجود نداشت.

همچنین، با توجه به شأن نزول آیه ۵۸ سوره توبه، کسانی که به پیامبر (ص) در تقسیم غنائم اعتراض کردند، مورد شدیدترین نکوهش قرار گرفتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۶۳). در شأن نزول آیه اول سوره معارج نیز

آمده است که نضر بن حارث به نصب حضرت امیرالمؤمنین (ع) در روز عید غدیر اعتراض کرد و عذابی بر او نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۵۲۹).

طبق آیه «ما أتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا» (حشر، ۵۹:۷)، مسلمانان موظف به پذیرش انتصابات پیامبر (ص) بودند؛ اما این به معنای حرمت اعتراض به منصوبین ایشان نیست و در برخی موارد، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، اعتراض مشروع تلقی می‌شود.

پس از رحلت پیامبر (ص)، با خلافت امیرالمؤمنین (ع) در سال ۳۵ هجری، دوباره حکومت معصوم محقق شد. بر اساس تفاسیر فریقین از آیه ۳۳ سوره احزاب، عصمت و طهارت مختص معصومین (ع) است، بنابراین حکم اعتراض به آن‌ها مشابه اعتراض به پیامبر (ص) بوده و حرمت دارد.

پس از شهادت امیرالمؤمنین (ع)، با تصمیم امام مجتبی (ع) برای صلح، برخی از مسلمانان به این تصمیم اعتراض کردند؛ اما با توجه به عصمت امام، چنین اعتراضاتی غیرمشروع بوده و مخالفت با تصمیمات مستقیم امام معصوم، نقض قرآن و امری غیرقابل توجیه محسوب می‌شود.

البته در برخی موارد، خود معصومین اجازه انتقاد به اطرافیان خود می‌دادند. برای نمونه، پس از جنگ جمل، گزارش شده است که امیرالمؤمنین (ع) بر منبر مسجد جامع بصره و مسجد کوفه نشست و در سخنرانی‌ای افشاگرانه به مخالفان فرصت داد تا اشکالات و اعتراضات خود را بیان کنند. سپس با بردباری به سخنان آنان گوش داد، تندی‌ها و بدگویی‌ها را تحمل کرد و به تک‌تک پرسش‌ها، تهمت‌ها و شایعات پاسخ داد، که این عمل نقش مؤثری در هدایت داشت. یکی از این افراد، ابوبرده بن عوف ازدی، از دوستان خلیفه سوم بود که پای منبر حضرت ایستاد، اشکالات و شایعات را مطرح کرد و پس از دریافت پاسخ گفت: «ای امیرالمؤمنین (ع)! تاکنون دچار شک و تردید بودم، اما اکنون هدایت شدم» (رشاد، ۱۳۹۸، ۳۸۳/۱).

با این حال، باید توجه داشت که این رفتارها با هدف روشنگری مردم، جلوگیری از شایعه‌پراکنی منافقین و خنثی کردن حیل‌های تبلیغاتی آنان انجام می‌شد و در راستای اقناع افکار عمومی بود، بنابراین نمی‌تواند مستمسک قابل قبولی برای جواز اعتراض به معصوم باشد.

همچنین درباره ام هانی، خواهر امیرالمؤمنین (ع)، نقل شده است که وقتی متوجه شد سهم او از بیت‌المال به اندازه کنیزش پرداخت شده، با ناراحتی مجلس را ترک کرد. در این هنگام، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «برو! خدا تو را رحمت کند! ما در کتاب خدا برتری برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق ندیدیم» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۱). این رفتار نیز نمی‌تواند جواز اعتراض را اثبات کند، زیرا همان‌طور که در مفهوم‌شناسی اشاره شد، اعتراض به رفتارهای ایجابی گفته می‌شود و اقدام ام هانی نوعی اعتزال و قهر محسوب می‌گردد.

۲.۲. اعتراض به حکومت جور

هر حکومتی که منصوب به نصب خاص یا عام نباشد، ظالم و غاصب محسوب می‌شود و اعتراض به آن‌ها و مقابله با اعمال ظالمانه‌شان بر همه مومنان واجب است (نایینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۳۰؛ مقاله اعتزال قاسمی). بر اساس کلام نبوی، حق‌گویی نزد چنین حاکمی از بهترین اعمال به شمار می‌رود (کنز العمال، ۵۵۷۶) و شاید ترک این اعتراض از باب حرمت «معاونة الظالمین» حرام تلقی گردد (مفید، ۱۴۱۰، ۵۸۹).

البته اعتراض کلامی و عملی (قیام) در فتاوی فقیهان شیعه به مراتب کمتر از اعتزال مورد توجه قرار گرفته است، احتمالاً به دلیل فقدان قدرت شیعیان برای براندازی حاکمان جور، موضوعی که در آرای برخی فقیهان شیعه نیز مورد اشاره قرار گرفته است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۵۹). در برخی موارد، اعتراض به چنین حکام مستلزم نقض تقیه است و در این صورت حکم تقیه مقدم می‌شود.

به طور کلی، با وجود اینکه بر اساس ادله فقهی، اعتراض به حاکم جائز واجب و جایز است، اما گاهی شرایط خاص می‌تواند این حکم را تغییر دهد (قاسمی، ۱۴۲۰، ۲۲).

۳. اعتراض به نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

بر اساس ادله عقلی و نقلی، همچون «و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم و أنا حجة الله عليهم» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۱)، امور مرتبط با جایگاه امام معصوم در زمان غیبت، بر عهده فقیهانی است که واجد شرایط ذکر شده باشند. جلوه کامل این حکومت در ایران پس از انقلاب اسلامی تحقق یافت. همچنین، بر اساس مقبوله عمر بن حنظله، امام صادق (ع) رد حکم فقیه را معادل رد بر اهل بیت (ع) و در نتیجه رد بر خدا و شرک به خدا می‌دانستند.

اعتراض به عملکرد مسئولین و یا کارایی برخی قوانین در جمهوری اسلامی مشمول حکم «ردّ بر خدا» نیست؛ زیرا اولاً انتصاب مسئولان، حکم الهی محسوب نمی‌شود بلکه تعیین مصداق برای اجرای احکام شرعی است. ثانیاً این انتصاب‌ها بر پایه انتخاب ملت، سازوکار دموکراتیک یا حداقل مشورت با کارشناسان انجام می‌گیرد و ولی فقیه در آنها اختیار مطلق ندارد (رازقی، ۱۳۹۹، ۱۰). در همین راستا، رهبر معظم انقلاب تصریح می‌کنند که نقد نهادهایی مانند صدا و سیما یا سایر مسئولان -اگر منصوب رهبری باشند- هیچ‌گاه به معنای مخالفت با رهبری تلقی نمی‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۷) ایشان تصریح می‌کنند که اعتراض به کسانی که از جانب ولی فقیه منسوب میشوند؛ جایز است. بلکه نقد را وسیله‌ی تکامل معرفی کرده‌اند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸//۰۹/۲۳)

رهبر معظم انقلاب در دیدار با وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها تصریح می‌کنند که حتی اعتراض مستقیم به شخص ولی فقیه، در صورتی که بر مبنای صحیح باشد، بلاشکال است. ایشان می‌افزایند که حتی اعتراض‌های ناحق نیز حق طرح شدن دارند، هرچند باید بر پایه استدلال درست استوار گردند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷) این بیان نشان می‌دهد که اعتراض در نظام اسلامی نه تنها به مسئولان و نهادها، بلکه حتی نسبت به ولی فقیه نیز در صورت رعایت حدود شرعی و منطقی مجاز شمرده شده است.

از برخی بیانات امام خمینی می‌توان دریافت که اعتراض به رفتار نادرست مسئولان، نه صرفاً یک حق اجتماعی، بلکه تکلیفی شرعی برای آحاد جامعه محسوب می‌شود. ایشان در سخنرانی ۱۳۵۸/۳/۸ در جمع مردم کرج تأکید می‌کنند که همه اقشار جامعه - اعم از بازاری، کشاورز، روحانی و عالم - موظفند در برابر انحرافات مسئولان و نهادهای اعتراض کنند تا از گسترش کجی‌ها جلوگیری شود. (خمینی، ۱۳۹۷، ۴۲) ر این بیان، هیچ محدودیتی برای اعتراض در نظر گرفته نشده و وظیفه نظارت و اعتراض شامل همه مسئولان در هر جایگاه و لباسی می‌گردد.

بدیهی است مسئولان ناظر و متولیان امر، وظیفه‌ای مضاعف در این زمینه دارند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳)

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، اعتماد و همیاری با مسئولان نظام اسلامی وظیفه‌ای عمومی است که ریشه در منابع روایی شیعه دارد (رک: نهج البلاغه، نامه ۵) با این حال، وجوب اعتماد با وجوب اعتراض منافاتی ندارد، بلکه مکمل یکدیگرند. ایشان در بیانات ۱۳۸۸/۱۱/۶ تصریح می‌کنند که اعتماد به مسئولان به معنای چشم‌پوشی از تذکر و نقد نیست؛ بلکه در عین همراهی باید موارد خطا اصلاح گردد. از نظر ایشان، دشمن همواره در پی بی‌اعتماد کردن مردم به مسئولان است، اما نقد سازنده، در چارچوب همبستگی با نظام، نه تنها مجاز بلکه وظیفه‌ای دینی است (غفاری، ۱۳۹۸، ۳۶۳) همچنین، اعتراض برای اصلاح انحرافات، هیچ تقابلی با رعایت شأن و جایگاه مسئولان ندارد. معظم‌له تأکید می‌کنند که همگان موظف به حفظ حرمت نهادهای نظام هستند و این وظیفه با فریضه اعتراض و نهی از منکر منافات ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۴)، (۱۳۸)

ایشان اعتراض مردم نسبت به فساد و فاصله طبقاتی را نشانه‌ای از پابندی آنان به آرمان‌های انقلاب معرفی می‌کنند. از نگاه ایشان، حساسیت و مطالبه‌گری عمومی نسبت به عدالت و مبارزه با فساد، بیانگر تعمیق آگاهی انقلابی و استمرار پیوند مردم با ارزش‌های دینی و انقلابی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹)

رهبر معظم انقلاب بارها تصریح کرده‌اند که همه مسئولان در برابر قانون پاسخگو هستند و هیچ‌کس مصونیت مطلق ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲) نظر ایشان، مسئولانی که از اعتراض گریزانند با دو مشکل مواجه‌اند: از

درون گرفتار تکبرند و از بیرون فاقد پشتوانه مردمی‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۱۶۹) شان برای مسئولان در قبال اعتراضات مردمی وظایفی برمی‌شمارند: نخست، نباید از اعتراضات دچار ضعف روحیه شده یا از تلاش دست بکشند، بلکه لازم است قردان نقدها باشند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۷) دوم، اعتراضات نخبگان را پشتوانه مدیریتی ارزشمندی می‌دانند که شنیدن آن موجب دلگرمی نخبگان و ارتقای مدیریت می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸۳/۶/۱۸) سوم، در برابر اعتراضات بی‌پایه و ناشی از ناآگاهی، مسئولان موظف به «تبیین حداکثری» و روشنگری هستند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ۳۲۸) در نهایت، در برابر اعتراضات به حق و مستند، وظیفه اصلاح و رفع انحرافات را بر عهده دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ۱۹۸)

۴. مبانی فقهی بایسته های اعتراض مشروع از دیدگاه رهبری

با بررسی و تتبع در بیانات و آثار رهبر معظم انقلاب میتوان گفت که از دیدگاه ایشان که برگرفته از منابع فقهی و ادله شرعی است؛ اعتراض مشروع باید ویژگیهایی به همراه باشد که به تبیین مبانی فقهی آنها میپردازیم.

۴.۱. لزوم مرز بندی اعتراضات با دشمن نظام اسلامی

از منظر فقه اسلامی، تقابل حق و باطل امری دائمی در تاریخ بشر است و مؤمنان به‌عنوان پیروان جبهه حق وظیفه دارند همواره در مسیر عزت و اقتدار این جبهه حرکت کنند. یکی از عرصه‌های حساس این تقابل، مسئله اعتراضات اجتماعی است؛ اعتراضاتی که در اصل با نیت اصلاح شکل می‌گیرند، اما در صورت غفلت می‌توانند زمینه سوءاستفاده دشمنان را فراهم سازند. از این‌رو، معترضان خیرخواه و ناصح باید به‌طور جدی میان خود و جریان‌های معارض با نظام اسلامی مرزبندی کرده و در همه مراحل اعتراض، برائت خویش را از دشمن آشکار سازند.

مقام معظم رهبری نیز در مواضع متعدد بر این اصل تأکید کرده‌اند. ایشان در دیدار با کارگران با اشاره به مرزبندی کارگران معترض با دشمنان، این بصیرت و تعهد را ستودند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۲/۱۹) و یا در تاریخ

۱۳۸۸/۳/۲۹ در سرار خطبه نماز جمعه تاریخی ایشان بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تاکید بر لزوم

مرزبندی بین معترضین با دشمنان نظام وجود دارد. (غفاری، ۱۳۹۸، ۲۴۵)

لزوم مرزبندی با دشمنان را می‌توان به‌عنوان یک حکم شرعی در فقه سیاسی تحلیل کرد؛ زیرا مستندات قرآنی و روایی متعددی بر آن دلالت دارند از جمله:

الف) در آیه ۳۶ سوره نحل، رسالت انبیا با دو رکن اساسی «عبادت خدا» و «اجتناب از طاغوت» معرفی شده است. این عطف نشان می‌دهد که ایمان و تبری دو جزء مکمل هدایت‌اند و ترک هر یک موجب گمراهی خواهد بود.

ب) در آیه ۴ سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم و یارانش به‌عنوان الگوی مؤمنان معرفی شده‌اند، مشروط به اظهار برائت از مشرکان و قطع پیوند با دشمنان دین. ادامه همین سوره (آیه ۹) نیز ارتباط با دشمنان متخاصم را نهی و پذیرش دوستی آنان را مصداق ظلم می‌داند.

ج) در آیه ۳ سوره توبه، خداوند و رسولش از مشرکان اعلام برائت می‌کنند. با توجه به آیه ۲۱ احزاب که پیامبر را اسوه حسنه معرفی می‌کند، مسلمین نیز موظف‌اند در سیره خویش برائت از دشمنان دین را سرلوحه قرار دهند. مرزبندی سیاسی با دشمن و جلوگیری از سوءاستفاده آنان از اعتراضات را می‌توان مصداقی از اصل تبری دانست. در اصطلاح فقهی، تبری به‌معنای بیزاری از دشمنان خدا و اولیای اوست (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۶/۱۳۳) و در فقه امامیه به‌عنوان یکی از فروع دین مطرح می‌شود. برخی روایات حتی آن را حقیقت ایمان معرفی کرده‌اند (نوری، ۱۴۰۸، ۲۲۷/۱۲).

بر این اساس، ادله شرعی مربوط به وجوب تبری می‌تواند مبنای الزام به مرزبندی با دشمنان نظام اسلامی نیز قرار گیرد. از جمله، شیخ حر عاملی در وسائل‌الشیعه (ج ۱۶، ص ۱۷۶) در باب «وجوب حبّ المؤمن و بغض

الکافر» نوزده روایت گردآوری کرده است. همچنین شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات با ذکر آیات و روایات متعدد، ایمان به خدا، پیامبر و ائمه را مشروط به براءت از دشمنان آنان می‌داند. (ابن بابویه، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲)

از مجموع این ادله، تواتر اجمالی روایات بر وجوب تبری قابل استنباط است. سید عبدالحسین لاری نیز تصریح می‌کند که «ادله سه‌گانه کتاب، سنت و اجماع، بلکه دلیل عقل، همگی بر وجوب تبری و براءت از دشمنان اهل بیت دلالت دارند». بدین ترتیب، فقه سیاسی شیعه مرزبندی با دشمنان را نه تنها یک ضرورت سیاسی بلکه حکمی شرعی و مستند به منابع اربعه می‌داند.

۴.۲. لزوم نیت ناصحانه برای پیشرفت و کمک نظام اسلامی

خیرخواهی از ویژگی‌های بنیادین مؤمنان است که در فقه امامیه از سطح توصیه اخلاقی فراتر رفته و به‌عنوان حکم شرعی مطرح گردیده است. بر اساس روایات، نصیحت مؤمن بر مؤمن واجب شمرده شده است؛ چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: «يجب للمؤمن على المؤمن أن ينصحه». (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۳۸۱/۱۶). اهمیت این امر تا بدان‌جاست که شیخ حر عاملی ابواب مستقلی با عناوین «وجوب نصيحة المؤمن» و «تحريم ترك نصيحته» در وسائل‌الشیعه تدوین کرده است (رک: حر عاملی، ۱۴۱۲، ۳۸۱/۱۶-۳۸۴).

افزون بر این، برخی روایات خیرخواهی برای نظام اسلامی و ائمه مسلمین را نیز به‌طور خاص واجب دانسته‌اند. در خطبه معروف پیامبر (ص) در مسجد خیف آمده است: «ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرئ مسلم: إخلاص العمل لله، والنصيحة لأئمة المسلمين، واللزم لجماعتهم» (همان). این مضمون در منابع اهل سنت نیز به‌عنوان رکن دین ذکر شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۷، ۶۲/۵).

بر این اساس، خیرخواهی نسبت به جامعه اسلامی واجبی شرعی است و یکی از مصادیق برجسته آن، اعتراض ناصحانه به مسئولین نظام است. مقام معظم رهبری نیز بارها بر این معنا تأکید داشته‌اند. ایشان در حمایت از اعتراضات کارگری تصریح کرده‌اند: «این اعتراض کمک به دولت و کمک به نظام است؛ این آگاه‌کردن نظام است»

(خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۲/۹) همچنین پس از حوادث سال ۱۳۸۸ بیان داشتند: «اگر کسی نظری دارد برای کمک، نظر بدهد؛ اگر اعتراضی دارد، اشکالی ندارد، ولی اعتراض باید همراهی باشد نه مقابله؛ مانند دو هم‌سنگر در یک سنگر» (غفاری، ۱۳۹۸، ۴۷)

بنابراین، از منظر فقهی و بر پایه سیره رهبری، مشروعیت اعتراضات در گرو نیت ناصحانه و التزام به خیرخواهی برای رشد و پیشرفت نظام اسلامی است.

۴.۳. لزوم قانون مندی اعتراضات

در اصطلاح حقوق، قانون ضابطه‌ای کلی است که بر عموم افراد منطبق می‌شود (فلاح‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰). طبق اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات کشور باید بر اساس موازین اسلامی باشد و تشخیص آن بر عهده فقهای شورای نگهبان است. از این‌رو، قوانینی که به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان می‌رسد، در حقیقت جنبه شرعی یافته و التزام به آنها، التزام به شرع محسوب می‌شود. قرآن و روایات نیز اطاعت از این احکام را به‌عنوان «امانت الهی» معرفی کرده و حفظ آن را وظیفه مسلمین دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۲۷۳؛ بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲۰: ۶۷۱). پس آحاد جامعه شرعا موظفند که به این قوانین ملتزم باشند.

از منظر فقه سیاسی، پابندی به قانون یکی از بایسته‌های اعتراض مشروع است؛ زیرا خروج از چارچوب قانونی، اعتراضات را به آشوب و ناامنی بدل می‌سازد. مقام معظم رهبری نیز بارها بر این اصل تأکید کرده‌اند. ایشان پس از حوادث سال ۱۳۸۸ تصریح نمودند: «گناه آتش‌افروزان فتنه ۸۸ همین بود که به قانون تمکین نکردند... اعتراض ایرادی ندارد، اما راه قانونی دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸(۱)، ۴۱۴). در جای دیگر، مخالفت با قانون را «بدعت» دانسته و قانون‌شکنی در اعتراضات را موجب تحمیل هزینه بر مردم و اجرای خواسته‌های دشمن معرفی کرده‌اند (غفاری، ۱۳۹۸، ۲۳۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۴(۲)، ۲۳۱).

هر چند این تأکید پس از فتنه ۱۳۸۸ پررنگ‌تر شده است، اما پیش از آن نیز در بیانات رهبری وجود داشته است. ایشان در دیدار با نمایندگان مجلس (۱۳۸۲/۳/۷) خاطرنشان ساختند: «گفتگو و اعتراض اشکالی ندارد، اما چهارچوب آن قانون است و در درجه اول قانون اساسی» (خامنه ای، ۱۳۹۷، ۱۶۹).

۴.۴. لزوم رعایت انصاف در اعتراض

یکی از ویژگی‌های مومنان، التزام به رعایت اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی است که این الزام در روابط اجتماعی نمود بیشتری می‌یابد و می‌تواند به عنوان یک گزاره شرعی مورد توجه قرار گیرد. یکی از مصادیق بارز این اصل، رعایت انصاف در اعتراض است. انصاف از ماده «نصف» و به معنای «به نیمه رساندن» است. (لسان، ۵۴/۲) و در اصطلاح به معنای عدالت‌ورزی و اجرای قسط و اقرار به حقوق مردم و ادای آنهاست و اینکه هر خیری را برای خود می‌خواهیم، برای دیگران هم بخواهیم و هر زیان و ضرری که برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران هم نپسندیم» (انصاریان، بی تا، ص ۳۸۲) با آنکه انصاف یکی از فضایل اخلاقی محسوب می‌شود. (نراقی، ۱۳۸۸، ۲۴۱/۱) ولی معارف اسلامی جایگاه آن را در روابط اجتماعی فراتر از یک توصیه اخلاقی می‌دانند و آن را موضوعی فقهی قابل بررسی معرفی می‌کنند. لذا شیخ کلینی در «باب الانصاف و العدل» به مجموعه‌ای از روایات مرتبط با انصاف پرداخته است (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۴۴/۲). ز مجموع این روایات استنباط می‌شود که رفتار منصفانه با افراد جامعه مستحب است، و برخی فقها مصادیق مشخصی برای آن ارائه کرده‌اند؛ مانند رعایت انصاف در معاملات (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۱۰۸) و برخورد منصفانه زوج با همسران (طباطبایی، ۱۴۱۸، ۹۰/۱۲).

برخی مصادیق انصاف از نظر فقها واجب شمرده شده‌اند؛ به عنوان مثال، قاضی موظف است در رسیدگی به دعوی، انصاف کامل را رعایت کند. (میرزای قمی، ۱۴۲۸، ۶۱۶/۲) لذا فاضل مقداد این رفتار منصفانه را مصداق حکم به حق می‌داند که در آیه ۲۶ سوره ص بر آن تأکید شده است (فاضل-مقداد، ۱۳۷۳، ۳۷۶/۲). از این رو، با

توجه به اهمیت انصاف در قضاوت، رعایت آن در اعتراض به مسئولین و عملکردشان واجب‌تر است، زیرا اعتراضات اجتماعی غالباً دامنه وسیع‌تری داشته و می‌تواند تبعات گسترده و حق‌الناس بر معترضین ایجاد کند.

رهبر معظم انقلاب نیز رعایت انصاف در اعتراضات را پیش‌شرط آن دانسته‌اند. ایشان در دیدار با مسئولین قوه قضاییه در ۵ تیر ۱۳۹۲ بیان کردند: «انتقاد و اعتراض سالم برای پیشرفت کشور مفید است؛ اما معترض باید خود را جای مسئول بگذارد و سختی کار او را درک کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۴/۵) در اخلاق اسلامی، این رویکرد همان رعایت انصاف است. دعای مأثور از امام زمان (عج) نیز بر عدالت و دلسوزی مسئولان و انصاف مردم تأکید دارد: «و علی الامراء بالعدل و الشفقه و علی الرعیة بالانصاف و حسن السیره» (کفعمی، بی‌تا، ۳۵۰). یعنی خدایا به مسئولین عدالت و دلسوزی عطا فرما و به مردم انصاف و سیرت نیکو بده. حتی اگر این خواسته را عمومی و کلی در نظر بگیریم و بگوییم که امام علیه السلام از ما رعایت انصاف در همه شوون زندگی را خواسته است؛ اما به قرینه جمله قبل آن در مورد مسئولین میتوانیم بگوییم یکی از مصادیق حتمی لزوم رعایت انصاف در ارتباط با مسئولین نظام اسلامی است.

۴.۵ رعایت روش منطقی و علمی در اعتراض

طبق نص آیه ۱۲۵ سوره نحل که میفرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» یعنی با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! «مسلمانان موظفند در روابط کلامی خود با مخالفین خود دو رکن را رعایت نمایند. اول اینکه باید محتوای کلام حکمت آمیز و همراه با اتقان و استحکام علمی باشد. و دوم باید روش بیان مطالب را جدال احسن برگزینند. (طیب، ۱۳۷۸، ۲۱۰/۱۲) بنابراین، به طریق اولی رعایت منطق و استدلال علمی در اعتراض به مسئولین نظام اسلامی نیز ضروری است، زیرا مسئولین از بطن جامعه‌اند و اتخاذ رویکرد علمی و منطقی باعث نزدیک‌تر شدن اعتراض به هدف اصلاحی آن می‌شود (فاضل‌مقدا، ۱۳۷۳، ۳۹۳/۱).

از اینرو یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، آگاهی کامل نسبت به حکم و موضوع و مصداق است. (علامه-حلی، بی-تا، ۴۴۳/۹؛ خمینی، ۱۳۷۹، ۴۶۶/۱) در صورت وجود شبهه یا ناآگاهی، وظیفه مکلف ساقط است (جوهر، ۳۶۶/۲۱) بلکه در برخی موارد حرام است. (محقق-حلی، ۱۴۰۸، ۳۱۱/۱) آیه ۳۶ سوره اسراء نیز بر این الزام تأکید دارد: «و لا تقف ما لیس لک به علم»، یعنی انسان موظف است تنها بر اساس علم و آگاهی عمل کند. بدین ترتیب، محتوای اعتراض باید یقینی باشد و امور احتمالی و ظنی نمیتوانند پایه اعتراض مشروع باشند. فقها در امر به معروف و نهی از منکر، سخن نرم را بر گفتار شدید ترجیح داده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۸۴). امام خمینی (ره) نیز بیان می‌کند: اگر وعظ و راهنمایی نرم احتمال تأثیر داشته باشد، باید به آن بسنده کرد و از روش‌های تند و تجاوزگرانه پرهیز نمود (خمینی، ۱۳۷۹، ۴۷۸/۱).

رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر لزوم اتخاذ روش منطقی و علمی در اعتراض تأکید کرده‌اند. ایشان در دیدار با نخبگان و دانشجویان خاطرنشان کردند: اعتراض باید مبتنی بر منطق و استدلال باشد و پرخاشگری جایز نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ۱). (۳۹۵). همچنین، ایشان می‌فرمایند مطالبه عدالت، اصولاً به نظام ضربه نمی‌زند و حتی آن را تقویت می‌کند، مشروط بر اینکه روش اعتراض خشن یا نامناسب نباشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۳). (۴۱۱). طبق این گفتار روشهای خشن و تند و نامناسب برای اعتراض قابل تأیید نیست. در برخی موارد حساس، حتی اعتراض غیرخشن نیز مورد تأیید نیست، مانند اعتراض به ائمه جمعه (همان، ۲۴۸).

ایشان همچنین بر ضرورت آگاهی کامل از موضوع برای اعتراض سازنده تأکید دارند و بیان می‌کنند که اعتراض ناشی از ناآگاهی ممکن است با نیت خیرخواهانه باشد، اما به دلیل فقدان اطلاعات کافی، آثار منفی به همراه خواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ۳۲۸). از این گفتار میتوان چنین برداشت کرد که اعتراضاتی که بدون بررسی و آگاهی از تمام جوانب بیان میگردد؛ با آنکه ممکن است حسن فاعلی داشته باشد یعنی شخص معترض

از روی خیر خواهی و دلسوزی این اعتراض را بیان نموده ولیی قطعا فاقد حسن فعلی است. و گاهی منجر به تنبغات منفی برای اعتراض کننده میگردد.

۴.۶. فقدان امری مهمتر از اعتراض

یکی از مباحث اساسی در اصول فقه، موضوع تراحم تکالیف است؛ یعنی زمانی که دو تکلیف هم‌زمان بر مکلف واجب می‌شود و انجام هر دو ممکن نیست (مشکینی، ۱۳۷۴، ۱۰۸). در چنین مواقعی، مکلف موظف است تکلیفی را انجام دهد که اهمیت بیشتری دارد و تکلیف دیگر را ترک کند (مظفر، بی-تا، ۲/۲۱۴). این قاعده اصولی در زمینه اعتراض نیز صادق است؛ یعنی شخص معترض باید پیش از بیان اعتراض، بررسی کند که اعتراضش با واجب مهم‌تری تراحم نداشته باشد و در صورت وجود تراحم، اعتراض را برای آن واجب مهم‌تر ترک کند.

در فقه امامیه، گاهی وجوب امر به معروف، به دلیل تعارض با واجب مهم‌تر ساقط می‌شود. برای نمونه، یکی از شرایط امر به معروف، نداشتن مفسده است؛ امام خمینی در ذیل این شرط می‌فرماید: «اگر با امر به معروف جان یا آبروی خود یا دیگر مؤمنان به خطر افتد، نهی از منکر واجب نیست و حتی حرام است.» (خمینی، ۱۳۷۹، ۱/۴۷۲). این حکم با قاعده تراحم قابل استناد است؛ زیرا وجوب نهی از منکر با وجوب حفظ جان و آبروی مسلمانان تراحم دارد (بیع امام، ۲/۶۰۰).

یکی دیگر از اجاباتی که ممکن است با اعتراض تراحم داشته باشد، حفظ کیان جامعه اسلامی است. حفظ کیان اسلام، یا «بیضه الاسلام»، از واجبات مسلم و مقدم بر سایر تکالیف است. شیخ حر عاملی در ابواب جهاد بیان می‌کند که جنگ با سلطان جائز تنها زمانی مجاز است که مسلمانان در معرض تهدید کیان اسلام باشند (حر-عاملی، ۱۴۰۹، ۲۹/۱۵). لذا اگر وجوب حفظ کیان اسلامی با حرام مسلمی مانند معونه الظالمین (علامه حلّی،

۱۴۱۲، ۳۸۰/۱۵) تراحم کند؛ حرمت معونه الظالمین برداشته میشود؛ پس میتوان گفت به طریق اولی وجوب اعتراض هم در تراحم با وجوب حفظ کیان اسلام مرتفع میشود.

اندیشمندان معاصر نیز برای تبیین دیدگاه رهبر انقلاب در خصوص وحدت امت اسلامی به نامه ۶۲ نهج‌البلاغه تمسک کرده‌اند، جایی که امام علی (علیه‌السلام) حفظ مصالح کلی امت و کیان اسلام را از اعتراض به منکر غضب خلافت، مهمتر میدانند. از اینرو به خلیفه دوم که قصد داشت با سپاه مسلمین راهی جنگ با کفار شود؛ چنین مشورت میدهند: «شما خودت با سپاه همراه نشو؛ چون اگر در این جنگ کشته شوی می‌گویند رهبر جهان اسلام کشته شد و بعد به سرزمین‌های اسلامی حمله می‌کنند» (ازغدی، ۱۳۹۷، ۶۷) همانگونه که دیده میشود نگارنده در این سطور به اهمیت فروان حفظ کیان اسلامی اشاره نموده که حتی از اعتراض به منکر غضب خلافت هم با اهمیتتر است.

۵. ناپایسته‌های اعتراض مشروع از دیدگاه رهبری و مبانی فقهی آنها

همانگونه که گفته شد؛ در اعتراضات مشروع باید برخی امور مد نظر قرار گیرد؛ تا اینجا شرایط ایجابی اعتراضات مشروع بیان گردید؛ پس از این به بیان شرایط سلبی آنها میپردازیم

۵.۱. پرهیز از شاد کردن، امیدوار کردن، کمک کردن به دشمن

از ابتدای خلقت، جبهه‌های حق و باطل همواره در مقابله با یکدیگر بوده‌اند و غفلت پیروان جبهه حق از دشمن همواره مورد نهی قرار گرفته است. قرآن کریم در آیه ۸ سوره توبه هشدار می‌دهد که مومنان باید هشیار باشند که دشمن هیچ حد و مرزی برای دشمنی نمی‌شناسد. پس غفلت از این دشمن چیزی جز خسران ندارد.

بنابراین، در اعتراض به انحرافات، جامعه اسلامی باید مراقب باشد که اعتراضات تحت تأثیر دشمن قرار نگیرد. مطابق آیه ۱۲۰ سوره آل عمران: «إِنَّ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصَبِّحُمْ سَيِّئَةً يَفْرَحُوا بِهَا»، هر عملی که موجب شادمانی دشمنان شود، بدی به جامعه اسلامی محسوب می‌شود و طبق منابع فقهی، این بدی جزء گناهان

سنگین است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که آزار حتی یک مومن، تبعات سنگینی دارد (دیلمی، ۱۴۱۲، ۷۶/۱). بنابراین بدی و آزار جامعه مومنین به طریق اولی از گناهان بزرگ شمرده می شود.

رهبر معظم انقلاب نیز تأکید دارند که معترضین نباید به گونه ای سخن بگویند که دشمنان از آن شادمان شوند. ایشان در توبیخ فتنه گران سال ۱۳۸۸ بیان کردند: «چرا کشور را دشمن شاد کنند؟» و امیدواری دشمن را بزرگ ترین گناه فتنه گران معرفی نمودند: «دشمن را مأیوس کنید... امیدوار شدن دشمن، تهدید علیه ملت است» (خامنه ای، ۱۳۹۴/۱)، (۱۸۳). همانگونه که ملاحظه میشود ایشان ناامیدی دشمن را عامل آسایش جامعه اسلامی معرفی نمودند. به همین خاطر امیدوار کردن دوباره او را گناه یزرگ محسوب میکنند. زیرا حق الناس سنگین رنج سالیان متمادی یک ملت بر عهده این افراد است.

ایشان معتقدند مهم ترین امید دشمنان برای ضربه زدن به کشور، ایجاد و سوءاستفاده از اعتراضات مردمی است. (خامنه ای، ۱۴۰۱/۳/۱۴) گاهی این اعتراضات داخلی تحت هدایت جنگ رسانه ای دشمنان شکل می گیرند. ایشان هشدار می دهند: «چرا دائم در ذهن مردم اعتراض ایجاد شود و خبرگزاری ها به گونه ای خط بدهند که مردم نگران و ناراحت شوند؟» (همان، ۱۳۷۱/۶/۳۱).

۵.۲. پرهیز از ناامید کردن مردم

در متون دینی امید به عنوان عامل اساسی پیشرفت و پایداری جامعه معرفی شده است. «رَجَاء» به معنای انتظار امری مطلوب و خشنودکننده آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۵). در منابع اسلامی نیز امید به رحمت الهی نه تنها مورد توصیه، بلکه به عنوان راهبردی اساسی در مسیر کمال انسان معرفی گردیده است. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «امید به رحمت خدا موجب پیروزی است»؛ (لیثی، ۱۳۷۶، ۲۹/۱).

در مقابل، یأس در روایات به عنوان یکی از گناهان کبیره معرفی شده است. (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۸۰/۲). فراوانی اینگونه روایات تا جاییست که شیخ حر عاملی، باب مستقلی در اینباره با عنوان «بَابُ تَحْرِيمِ الْقُنُوطِ وَ اِنْ تَاَخَّرَتْ

الْجَابَةُ» تدوین نموده که نشان دهنده حرمت شرعی ناامیدی است. پس میتوان تمامی مصادیق آن را حرام معرفی کرد. (قطیفی، ۱۴۲۲، ۴۲۶/۲) نابراین، همان‌گونه که ناامیدی شخصی حرام است، ناامید کردن دیگران نیز مشمول قاعده «اعانه بر اثم و عدوان» بوده و حرام خواهد بود. (رک: بجنوردی، ۱۴۱۹، ۳۵۹/۱) در نتیجه به طریق اولی، پرهیز از هرگونه رفتار یا گفتاری که به ناامیدی جامعه اسلامی بینجامد، لازم است. از اینرو اعتراضات مشروع باید خالی از اموری باشد که به ناامیدی جامعه اسلامی منجر گردد.

اهمیت این نکته زمانی دوچندان می‌شود که ناامید کردن مردم به مثابه تقویت جبهه دشمن تلقی گردد؛ زیرا طبق ادله قطعی، هرگونه یاری‌رسانی به دشمنان اسلام حرام است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۷۶/۸) در همین راستا، رهبر معظم انقلاب مکرراً در بیانات خویش بر ضرورت پرهیز از ناامید کردن مردم تأکید کرده‌اند. ایشان در سخنرانی ۱۳۷۵/۲/۱۳ می‌فرمایند:

«اگر اعتراض و انتقاد در حد معقولی باشد، چه مانعی دارد؟! به قول آقایان دولتی‌ها «سازنده» هم هست. بر سر انتقاد، بحثی نداریم. بحث بر سر نظام است. از آنجا که پایه‌ی هر نظام و هر زندگی فردی بر امید است، پس امید را در دل‌های مردم متزلزل نکنید... به گونه‌ای حرف نزنید که پیر و جوان و زن و مرد، افق آینده‌ی خود را تیره و مه‌آلود ببینند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ۴۱۱). ایشان همچنین همه ارکان نظام را موظف به امیدآفرینی در جامعه دانسته و هشدار می‌دهند که ناامید کردن مردم «خلاف وظیفه» است. (همان)

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که اعتراض مشروع نه تنها نباید موجب ایجاد یأس در مردم شود، بلکه باید همراه با امیدآفرینی و تقویت اعتماد به آینده نظام اسلامی باشد. اعتراض بدون رعایت این شرط، از مصادیق تقویت جبهه دشمن و تضعیف صفوف داخلی به شمار می‌آید.

۵.۳. پرهیز از تشنج در جامعه

امنیت و آرامش اجتماعی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است که سایر ارزش‌ها در پرتو آن معنا می‌یابند؛ از این رو فقها حفظ امنیت را واجبی مؤکد دانسته‌اند. (نجفی، بی-تا، ج ۲۱، ص ۴۶) اهمیت این اصل به گونه‌ای است که در مواردی سبب جواز اعمالی می‌شود که در حالت عادی حرام‌اند؛ مانند پذیرش مسئولیت از سوی حاکم جائز به منظور صیانت از امنیت عمومی (امام خمینی، بیع، ۱۷۴/۲)، پرداخت زکات به او برای سامان‌دهی امور جامعه (کاشف‌الغطا، شرح قواعد، ۱۰۴)، یا حتی همکاری نظامی و فروش سلاح در جهت حفظ مصالح امت اسلامی (اردبیلی، ۱۴۲۹، ۶۸/۸، شهید اول، ۱۴۱۷، ۳۰/۲). میرزای-قمی، ۱۳۷۱، ۳۵۷/۱، کاشف، ۱۴۲۲، ۳۸۲/۴

این رو، می‌توان قاعده «وجوب حفظ امنیت و آرامش اجتماعی» را در فقه سیاسی یک اصل حاکم دانست که گاه موجب تغییر حکم اولیه می‌شود؛ مانند وجوب اعتراض که در صورت ایجاد تشنج و ناامنی، وجوب آن ساقط است. رهبر معظم انقلاب نیز بر همین اساس همواره بر پرهیز از تشنج‌آفرینی، به‌ویژه از سوی مسئولان تأکید کرده‌اند. (خامنه-ای، ۱۴۰۲، ۴۱۱) به‌ویژه مسئولان نظام را به پرهیز از تشنج و ناآرامی فرا می‌خوانند. ایشان در دیدار با نمایندگان مجلس با تأکید بر طبیعی بودن وجود مخالف و منتقد، هشدار می‌دهند که اختلافات نباید به نزاع و کشمکش منجر شود؛ چراکه تشنج در مجلس به جامعه سرریز شده و آرامش روانی مردم را مختل می‌کند. در مقابل، آرامش مسئولان به جامعه منتقل شده و موجب تقویت ایمان و رشد اجتماعی می‌گردد. (خامنه-ای، ۱۳۹۵/۳/۱۶) ایشان با استناد به آیات قرآن، سکینه و آرامش جمعی را زمینه‌ای برای تعالی امت اسلامی معرفی می‌کنند.

۵.۴. پرهیز از تضعیف نظام اسلامی

قاعده «وجوب حفظ نظام» از قواعد مسلم فقهی است که بر پایه ادله عقلی و نقلی، اختلال نظام اجتماعی را حرام می‌داند؛ مهمترین مبانی این قاعده دلیل عقلی است. یعنی طبق عقل اختلال نظام مفسده مسلمه دارد؛ و هر آنچه که مفسده مسلمه داشته باشد شرعا حرام است؛ پس اختلال نظام شرعا حرام است. (سیفی-مازندرانی،

۱۴۲۵، ج ۱، ص: ۱۳) رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات متعدد، پرهیز از تضعیف نظام را در اعتراضات یادآور شده‌اند. به‌عنوان نمونه، در دیدار با مدیران مطبوعات (۱۳۷۵/۲/۱۳) تأکید می‌کنند که اعتراض در حد معقول پذیرفته است، اما تضعیف اصل نظام جایز نیست. (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ۴۱۱) گرچه مقصود از «نظام» در قاعده حرمت اختلال، نظام اجتماعی است، اما به دلیل وابستگی جدی میان نظام اجتماعی و سیاسی، تضعیف نظام سیاسی نیز در حکم مقدمه‌ای بر اختلال اجتماعی بوده و بر اساس قاعده «مقدمه حرام، حرام است» ممنوع خواهد بود. (سبحانی، ۱۴۲۲، ۱۱۶/۱)

از نگاه رهبر انقلاب، اعتراض نباید دستاویزی برای زیر سؤال بردن نهادهای اساسی نظام گردد؛ زیرا این امر مقدمه‌ای بر تضعیف کل نظام است. ایشان در دیدار با بسیجیان و پاسداران گیلان تأکید می‌کنند که حتی اعتراض‌های کوچک نیز مجوزی برای تخریب نهادهایی چون سپاه و بسیج نیست. در عین حال، مسئولان و منتسبین به این نهادها نیز موظفانند رفتاری نداشته باشند که زمینه اتهام و اعتراض نابجا فراهم شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۶) این توصیه ریشه روایی دارد، چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «إِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التَّهْمَةِ» (حر-عاملی، ۱۴۰۹، ۳۷/۱۲). بر همین اساس، فقها مانند شیخ حر عاملی رفتارهای اتهام‌آور را مکروه دانسته‌اند (همان، ۳۶/۱۲).

یکی از مصادیق تضعیف نظام، اعتراضاتی است که وحدت ملی و استحکام داخلی را به خطر می‌اندازد. رهبر انقلاب بر ضرورت جلوگیری از تبدیل اختلاف‌نظرها به مقابله و تخاصم تأکید کرده و هشدار می‌دهند که دشمن از این تفرقه برای القای دودستگی سوءاستفاده می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۲)، (۱۸۱). همچنین، ایشان اعتراضاتی که مدیریت‌های خرد و نهادهای ریشه‌دار مانند حوزه علمیه را تضعیف کند نیز نهی شده است و تأکید دارند که اعتراض باید اصلاحی و سازنده باشد، نه مخل کارکرد و انسجام نهادها (خامنه‌ای، بی-تا، ۱۶۸۹).

نتیجه‌گیری

اعتراض در نظام‌های سیاسی معاصر، به‌ویژه در جمهوری اسلامی ایران، موضوعی پیچیده است که نیازمند تبیین فقهی و حقوقی دقیق است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه مقام معظم رهبری، اعتراض در چهارچوب قانون، اخلاق، عقلانیت و مرزبندی روشن با دشمنان، نه‌تنها مجاز، بلکه در بسیاری موارد تکلیفی شرعی و مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.

تمایز میان «اعتراض مشروع» و «اغتشاش» از نکات کلیدی است؛ اعتراض سازنده و اصلاح‌گرایانه برای بهبود عملکرد مسئولان و پیشگیری از انحرافات است، در حالی که اغتشاش با هدف براندازی، ایجاد ناامنی و تضعیف ارکان جامعه اسلامی تعریف می‌شود. به همین دلیل، اعتراض مسالمت‌آمیز، موضوعاً از حکم محاربه خارج بوده و جزو جرایم امنیتی محسوب نمی‌شود.

فقه سیاسی شیعه، اعتراض به حکومت عدل در زمان معصوم را ممنوع می‌داند؛ اما در نظام ولایت فقیه، که مبتنی بر نصب عام و همراه با انتخاب مردم است، اعتراض خیرخواهانه و اصلاحی به مسئولان و حتی ولی فقیه جایز و موجب تقویت نظام تلقی می‌شود. این دیدگاه نشان‌دهنده جمع حکیمانه میان «اعتماد به مسئولان» و «لزوم نظارت و اعتراض» است.

اعتراض مشروع باید همراه با مرزبندی صریح با دشمنان اسلام باشد تا سوءاستفاده آنان جلوگیری شود و در حقیقت جلوه‌ای از اصل تبری و التزام به ایمان کامل است. بنابراین، اعتراض مشروع نه تهدیدی برای امنیت و انسجام جامعه، بلکه فرصتی برای اصلاح، نظارت عمومی، پیشگیری از انحرافات و تقویت پیوند مردم و نظام است. این رویکرد، مبتنی بر منابع اصیل فقهی، ظرفیت بالایی برای توسعه نظریه فقه سیاسی شیعه و تنظیم سیاست‌های حقوقی و اجتماعی کشور در مواجهه با پدیده اعتراض فراهم می‌آورد.

فهرست منابع:

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. ۵ ج. قم - ایران: اسماعیلیان.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴-۱۳۶۳. معجم مقاییس اللغة. ۶ ج. قم - ایران: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم. بدون تاریخ. لسان العرب. ۱۵ ج. بیروت - لبنان: دار الفکر.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۹. الاعتقادات. ۱ ج. قم - ایران: موسسه امام هادی علیه السلام.
۵. انصاریان، حسین، بی-تا، زیبایی‌های اخلاق، تهران: دار العرفان.
۶. بجنوردی، حسن، ۱۳۷۷-۱۴۱۹. القواعد الفقهیه. ۷ ج. قم - ایران: نشر الهادی.
۷. بحرانی، عبد الله بن نور الله، موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، و مدرسه الامام المهدي علیه السلام. ۱۳۷۵. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال. ۱۱ ج. قم - ایران: مدرسه الإمام المهدي (علیه السلام).
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲-۱۹۹۱. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. ۲۰ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۹. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۰، نقش پر آب، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۰. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۲، شورای انقلاب فرهنگی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۱. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۴، حماسه ۹ دی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۲. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۴، دیار بصیرت، جهاد و اجتهاد، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۳. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۶، روشنای علم، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۴. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۶، شعار سال، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)
۱۵. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۷، دشمن شناسی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۶. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۸، انتخاب صالحان، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر

- آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای مد ظله العالی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۸. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، پرسش و پاسخ، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۱۹. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، سیاست از منظر آیه الله خامنه‌ای، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۴۰۲، جهاد تبیین در اندیشه‌ی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۲۱. خامنه‌ای، سید علی، بی تا، حوزه و روحانیت، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۲۲. خمینی، روح الله، ۱۳۹۲-۱۴۳۴. کتاب البیع. ۵ ج. تهران - ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
۲۳. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب ۱۳۷۹. تحریر الوسيلة (چاپ قدیم). ۱ ج. تهران - ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۴. خمینی، سید روح الل، ۱۳۹۷، هندسه انقلاب، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی
۲۵. دیلمی، حسن بن محمد. ۱۴۱۲-۱۳۷۰. إرشاد القلوب. ۲ ج. قم - ایران: الشریف الرضی.
۲۶. رحیم‌پور ازغدی، حسن. (۱۳۹۷). امت اسلامی. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری
۲۷. رزاقی، حسین. (۱۳۹۹). بررسی مساله اعتراض علیه حکومت اسلامی از منظر فقهی و حقوقی. گفتمان اندیشه، ۳(۶)، ۱-۲۲.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲-۱۹۹۲. مفردات ألفاظ القرآن. ۱ ج. بیروت - لبنان: دار الشامیة.
۲۹. رشاد، علی اکبر، ۱۳۹۸، دانشنامه امام علی علیه السلام، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر. ۱۳۹۹-۱۹۷۹. أساس البلاغة. ۱ ج. بیروت - لبنان: دار صادر.
۳۱. سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۸۰-۱۴۲۲. الوسيط فی أصول الفقه: کتاب یبحث عن الادله اللفظیه و العقلیه بین

- الایجاز والاطناب. ۲ ج. قم - ایران: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۳۲. سفی، علی اکبر. ۱۴۲۵. مبانی الفقه الفعالم فی القواعد الفقهیة الأساسیة. ۵ ج. قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۰. اللمعة الدمشقیة. ۱۰ ج. قم - ایران: کتابفروشی داوری.
۳۴. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۷، الدروس الشرعیة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین
۳۵. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، بدون تاریخ. جواهر الکلام «فی شرح شرائع الإسلام». ۴۳ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. طباطبایی حائری، علی بن محمد علی، ۱۴۱۸. ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. ۱۷ ج. قم - ایران: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸-۱۳۶۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ۱۰ ج. بیروت - لبنان: دار المعرفة.
۳۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۱۴. مجمع البحرین و مطلع النیرین. ۳ ج. قم - ایران: بنیاد بعثت. مرکز چاپ و نشر.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ق، العقائد الجعفریة، دفتر تبلیغات، قم، اول.
۴۰. طیب، عبدالحسین. ۱۳۷۸. أطيّب البیان فی تفسیر القرآن. ۱۴ ج. تهران - ایران: اسلام.
۴۱. علامه حلّی، حسن بن یوسف. بدون تاریخ. تذکرة الفقهاء. ۲ ج. تهران - ایران: مکتبه المرتضویة.
۴۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۲. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. ۱۵ ج. مشهد مقدس - ایران: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۴۳. غفاری، مصطفی، ۱۳۹۸، فتنه تغلب، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگي انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری
۴۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، ۱۳۷۳. کنز العرفان فی فقه القرآن. ۲ ج. تهران - ایران: مرتضوی.
۴۵. فتح الله، احمد، ۱۴۱۵ق، معجم ألفاظ الفقه الجعفری، قم: دار المرتضی
۴۶. قاسمی، محمد و رجایی، حسین. (۱۴۰۲). اعتراض و اعتزال سیاسی در اندیشه فقهی فقیهان شیعه (با تأکید بر اندیشه علامه نایینی □). فقه و اجتهاد. ۱۰(۱۹)، ۱۱-۳۴.
۴۷. قطیفی بحرانی، احمد بن صالح، ۱۴۲۲-۲۰۰۱. رسائل آل طوق القطیفی، بیروت - لبنان: دار المصطفی (ص) لایحیاء التراث.
۴۸. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. ۱۴۲۰-۱۹۹۹. شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر. ۱ ج. نجف اشرف - عراق: الذخائر.
۴۹. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، ۱۳۸۰-۱۴۲۲. کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. ۴ ج. قم - ایران: دفتر

- تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات.
۵۰. کفعمی، ابراهیم بن علی. بدون تاریخ. البلد الأمين. ۱ ج. ایران - [بی نا].
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية.
۵۲. لثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶. عیون الحکم و المواعظ. ۱ ج. قم - ایران: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.
۵۳. متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۱۹-۱۹۹۸. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. ۱۶ ج. بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
۵۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۵۵. محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. ۴ ج. قم - ایران: اسماعیلیان.
۵۶. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴-۱۹۹۴. تاج العروس من جواهر القاموس. ۲۰ ج. بیروت - لبنان: دار الفکر.
۵۷. مشکینی اردبیلی، علی. ۱۳۷۴. إصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها: قم - ایران: نشر الهادی.
۵۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ ش.
- فلاح زاده، علی محمد. ۱۳۹۱، تفکیک تقنین و اجرای تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه، معاونت تدوین تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
۵۹. مظفر، محمد رضا. بدون تاریخ. أصول الفقه. ۴ ج. قم - ایران: اسماعیلیان.
۶۰. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات معین
۶۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۰-۱۳۶۸. المقنعة. ۱ ج. قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۶۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۳۸۷-۱۴۲۹. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. ۱ ج. قم ایران: فقه الثقلین.
۶۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. ۱۳۷۱. جامع الشتات. ۴ ج. تهران - ایران: کیهان.
۶۴. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، ۱۳۸۵-۱۴۲۸. رسائل الميرزا القمی. ۲ ج. قم - ایران: مؤسسه بوستان کتاب
۶۵. نراقی، مهدی بن ابی ذر، ۱۳۸۸. ترجمه متن کامل جامع السعادات. ۲ ج. قم - ایران: قائم آل محمد (عج).
۶۶. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸-۱۹۸۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۳۰ ج. بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.